

عمیپان

روزه ۸ مارس

نشریه

شماره پنجم

اسفند ماه ۱۳۸۹

ما همه زنان جنگیم

برای آزادی می جنگیم

Osyan.osyan@gmail.com

Osyan-zan.blogspot.com

[facebook:osyan zan](https://facebook.com/osyanzan)



شعار زن سرکش حجاب تو آتش بکش

بیانیه 8 مارس، روز جهانی زن

رنگی و... باشه. قانونی که همش بر علیه زنه‌است. داشتن دوست پسر قباحه داره. همش باید توی خفا این کارها رو انجام بدی. اگر بگیرنت باید به 100 نفر جواب پس بدی و آخرشم بشی چوب دو سر طلا و اینکه پاتو خیلی از گلیم شرع و عرف و جامعه دراز تر کردی. اگه تو خیابون بلند بخندی و شلوغ کنی و انرژی جوونی و نو جوون بودنتو بخوای خالی کنی

8 مارس در راه است. روز زن، روز من، روز تو، روز ما. شاید برای خیلی از ما این روز گمنام و ناشناخته باشد. این روز به خاطر مبارزات زنان خیاط نیویورک شد روز زن. بعد از اون در همه جای دنیا زن‌ها این روز را جشن میگیرند. حالا دیگه 8 مارس 100 ساله شده است. اما تو کشور ما، حداقل از وقتی که ما یادمون



میشی یک دختر جلف و سبک. آخه توی این جامعه دختری خوبه که سنگین و موقر باشه و ساکت. سرش پایین باشه. اگه با دوستات باشی که دست بر قضا پسر هم هستند، آنوقت صفت "دختر خراب" برازنده ات میشه و معلوم نیست که هر شب بغل کدومشون می خوابی. همه این برخوردها توی تمام این سالها خیلی از زنها رو ناراضی از شرایط موجود بار آورد. چون همیشه توی تمام این حصارهای تنگی که شده بود عرف این جامعه اسیر بودند

سال 88 که حتما برای همیشه در ذهن تاریخ باقی خواهد ماند یک تقلب انتخاباتی باعث شد مردم معترض به خیابانها بیایند.

میاد، تولد فاطمه شد روز زن. کسی رو الگوی زن بودن قرار دادند که جدا از واقعیت های تاریخی یا افسانه های ساخته پرداخته شده، خودش به شدت تحت ستم بوده و هیچ کدام از ما قطعاً حاضر نیستیم زندگیمون رو از زندگی این شخص الگو برداری کنیم. فاطمه وقتی که در 18 سالگی میمیره چند تا بچه قد و نیم قد و یک بچه هم در شکمش داشته. اما اینها یک طرف قضیه است. طرف دیگر اینکه انتخاب این شخص و این روز برای روز زن آگاهانه صورت گرفت. از طرف حکومتی که می خواست زن توی جامعه کسی باشه مثل فاطمه. سر به زیر و فرمانبردار و تابع مردهای زندگی. سالها برای اینکار برنامه ریزی ها شد و سرکوبها صورت گرفت. حجاب اجباری؛ که تازه فقط این نبود بلکه این حجاب نباید تنگ و کوتاه و

یک چماق بالای سرشون بوده و به این شکل خیلی معنی خوبی داره.

اما مبارزات زنان و مردم در 1 سال و نیم گذشته ضعف ها و نکات قابل توجهی نیز داشت که باید به آنها نیز پرداخته شود. مهمترین نکته این بود که رهبری مبارزات مردم را قسمتی از حاکمیتی که مردم داشتند باهانش مبارزه می کردند بر عهده داشت که مرتباً می خواست جلوی پیشروی حرکت مردم را بگیرد و مانع حرکتی شود که بنیاد نظام اسلامی را زیر ضرب می برد. اگر چه در طول سال گذشته ماهیت این "رهبران" هم بنا به عملکرد خودشان و هم افشاگری هایی که صورت گرفت تا حدی برای مردم روشن تر شد و خیلی ها به فکر رفتند که اینها چه نوع رهبرانی هستند که قادر نیستند خواسته های مردم را نمایندگی کنند و همه اش بر حرکت رو بجلوی مردم ترمز می زنند، اما هنوز خیلی ها چشم امید به اینها بسته اند .

در طول روزهای مبارزات خیابانی پارسال و همینطور در 25 بهمن هیچ گاه شعار و خواسته ای مرتبط با مسئله زنان داده نشد. این هم از نگرش رهبری حاکم بر خیزش ناشی می شود و هم از اینکه مردم نیز هنوز مسئله زن را جزو مسائل مهم و کلان نمی بینند. ستم زن قدمتی به وسعت تاریخ دارد و باید آنقدر بلند پروازانه و رویا پردازانه و وسیع به آن نگرست که همه چارچوب ها و محدودیت ها را بشکند و مرزها را در نوردد. مبارزه علیه ستم بر زن مربوط به فردا و فرداهای پس از مسائل دیگر نیست. بلکه متعلق به امروز است. اگر حرکت و تغییری در هر جامعه ای صورت بگیرد و زنان در آن نادیده گرفته شوند حتماً آن تغییر و تفکر حاکم بر آن دچار اشکالات بزرگی است. خیزش 88 نیز همانگونه بود. رهبری جناحی از حاکمیتی که 30 سال سرکوب، تفکر اسلامی ضد زن، قوانین ضد زن و ایدئولوژی مرد سالارانه را به شدیدترین اشکال در باره زنان به کار برده بود، مانع از مطرح شدن مسائل زنان میشد. پس قاطعانه می توان گفت که از این حرکت نتیجه ای گرفته نمیشد مگر اینکه مردم حسابشان را از رهبری حاکم بر آن جدا می کردند که متاسفانه هنوز در بعد



حضور زنها خیلی چشمگیر بود و این رو همه دنیا نشان دادند و ما که خودمون از نزدیک میدیدم برامون بسیار ملموس و باور پذیر تر بود. اما یک چیز مهمه که گفته بشه و اینکه انتخابات بهانه ای شد برای اینکه خشم فروخورده سالها سرکوب و فرودستی و اسارت و خفقان زنان خودش رو به شکل اعتراضات خیابانی نشان بده. چون خیلیها رای نداده بودند اما در اعتراضات شرکت داشتند.

بهره که از آخر به اول بریم. از 25 بهمن 89 شروع کنیم. بعد از یکسال مردم دوباره به خیابانها آمدند. بعد از آنهمه کشتار و سرکوب و شکنجه و تجاوز. در شرایطی که خاور میانه روزهای اعتراض و نا آرامی را می گذراند مردم به خیابان آمدند و آنهم بسیار چشمگیر و غیر قابل پیش بینی. نیروهای دولت بسیار غافلگیر شده بودند و شیوه های برخورد سران حکومت نشان داد که حضور پر قدرت مردم باز هم همه محاسبات را به هم ریخته است. اما حضور دختران و زنان باز هم قابل توجه بود. باز هم ثابت کردند که حضورشان اتفاقی نبوده است. اینبار هم زنان در پیشاپیش خیزش قرار داشتند. آنها با درگیر شدن با لباس شخصیها مردم را به شعار دادن تهییج نمودند. اینبار هم زنها شجاع و پیشرو بودند. همه اینها گویای واقعیتی عینی است و آن اینکه زنان به تنگ آمده اند. از تمام رفتارها، قانونها، عادات، آداب و رسومی که بر علیه آنها و آزادیشان بوده است. آزادی برای زنان رها شدن از تمام این قید و بندهاست. حضور گسترده زنها آنهم توی جامعه ای که همیشه

مسائل سیاسی جامعه و فیلم دیدن و سرود خواندن و برنامه ریزی کردن و نقشه کشیدن برای فعالیت های انقلابی مون و خیلی از کارهای دیگر رو انجام بدیم. مسلما هیچ کدام از ما نمی توانیم بگویم که نمیشود. چون ما معنی می شود و می توانیم را به خوبی در خیابانها نشان دادیم و تجربه کردیم و لمس نمودیم. فقط باید دست به کار شویم و آغاز کنیم. مهم این است که باید آگاهتر شویم و عمیق تر بدانیم که با چه نقشه و برنامه ای میتونیم از شر این حکومت ضد زن خلاص بشیم و مهم اینست که از حالت پراکندگی خارج شویم و در کنار همدگر قرار بگیریم تا نیرویمان پر قدرت تر شود.

در سال گذشته نیز روز 8 مارس به عنوان روز اعتراض انتخاب نشد. چون تفکر رهبری حاکم نیز به این روز معتقد نیست. اما ما نمی خواهیم که موسوی و کروبی و رهنورد رهبران ما باشند. رهنوردی که سالها رییس دانشگاهی بود که مشخصه اصلیش جداسازی جنسیتی بود. او نویسنده کتابهای متعددیست که حجاب رو تایید می کنه و بر اون اصرار. بنابراین رهبران ما اینها نمی توانند باشند که میخوان قوانین زشت و ضد زن اسلام را توی زروق پیچیده و به ما تحمیل کنند. بجای چادر سیاه، چادر نماز گل گلی بسرمان بیندازند. ما می تونیم مستقل از اینها بر خواسته های بر حق خودمون تاکید کنیم و آنها را فریاد برنیم.

8 مارس نزدیکه و برای هر کدام از ما می تونه بار اولی باشه که آن را جشن میگیریم. اما به هر شکل اینکار را بکنیم. با جمع شدن دور همدیگر و بحث کردن بر سر اینکه چطوری میتونیم آزاد بشیم. با تعریف کردن تجارب مبارزه زنان در ایران و دنیا. با معرفی زنان مبارز ایران و جهان. با رد و بدل کردن اخبار مبارزه هم سرنوشت های خود بخصوص در این دوره اخبار مبارزه زنان در مصر و تونس و لیبی و... با تعریف کردن ستم هایی که بر خودمان و مادرانمان رفته و تصویر کردن آینده ای که دوست داریم توی آن رها باشیم. با درگیر کردن مادران و دوستان و زنان همسایه مان در جشن 8 مارس

ادامه در صفحه 9

وسیع اینگونه نشده است. لغو حجاب اجباری، جدایی دین از دولت و لغو قوانین تبعیض آمیز ضد زن از ساده ترین ولی عمیق ترین خواسته هایی بود که هرگز مطرح نشدند. فریادها و جسارتهامون توی مبارزات نشان می داد که خیلی به تنگ آمدیم. اما فریاد نزدیم که خفه شدیم از اینهمه زور و اجبار. نگفتیم که پوسیدیم توی این حصارهای روسری و مقنعه و بکن و نکن های مردهای خانواده و جامعه .

خط و سیاست حاکم بر هر جنبش و حرکتی از نکات مهم و تعیین کننده هدف و افق آن است. نابرابری زنان در جامعه ای که حکومتی مرتجع و مستبد دارد با عوض شدن مهره ها قطعاً به آزادی و برابری نخواهد رسید و دگرگونیهای بزرگتری نیاز دارد. عنصر آگاهی فاکتور مهمی در هر مبارزه ای و از جمله مبارزات زنان است. اگر زنان به ستم و تبعیض هایی که در سطوح مختلف در جامعه و خانواده بر آنها می رود پی ببرند و آن را تقدیر و ناشی از قانون طبیعت ندانند دیگر درنگ در مبارزه جایز نیست و سکوت در برابر اینهمه ستم و بیعدالتی تنها ستمی دیگر خواهد بود که آنها بر خود روا خواهند داشت. مبارزات روز مره زنان در جامعه و خانواده اگر چه ارزشمند است و باید از آن حمایت شود و اگر چه ممکن است به پیروزیهای مقطعی نیز منجر شود اما کافی نیست و رهایی واقعی آنها را رقم نمی زند. مبارزات آگاهانه زنان برای نیل به پیروزی و رهایی نیاز به متشکل شدن دارد. تشکل، مبارزات را از سطح به عمق خواهد برد. تشکلات زنان با خط مشی و سیاست حاکم بر آن، علاوه بر آگاهی بخشیدن به زنان، مبارزات آگاهانه آن ها را نیز سازماندهی می کند. بدون برنامه ریزی و بدون نقشه حرکت کردن جز هدر رفتن انگیزه ها، انرژی ها و امیدها و گم کردن راه چیزی نخواهد داشت. تشکیلات با تعیین افق مبارزاتی رهایی زنان، آنها را در مسیر رسیدن به آن هدایت می کند.

ما زنها باید دور هم جمع بشیم و تشکیلات درست کنیم. ما باید خودمون رهبری مبارزاتمان را با دیدی روشن بر عهده بگیریم. ما باید محفل های مختلف را در همه جای کشور تشکیل بدیم و کارهای مختلفی مثل کتابخوانی و بحث کردن بر سر آن و بحث بر سر



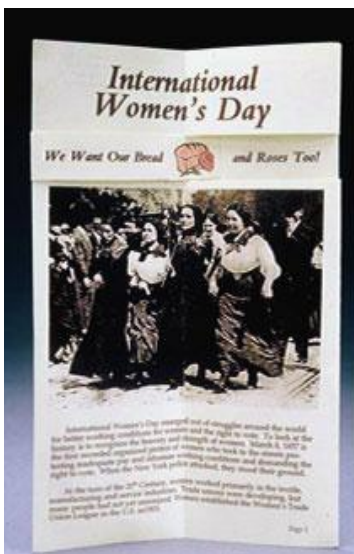
روز ششمار ۱ مارس



۱۱ مارس ۱۹۱۱



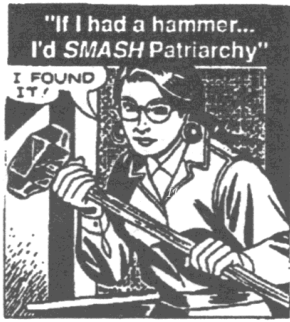
اینجا نیویورک است. هزاران زن در این منطقه کار می کنند. اغلب آنها مهاجرینی از روسیه، ایتالیا و لهستان هستند. ۱۵ ساعت کار طاقت فرسا و دستمزد اندک، شرایط عمومی کار در این منطقه است. زنان تاب تحمل این شرایط را ندارند. عصیان علیه شرایط استثماراری آغاز شد. زنان کارگر کارخانه های نساجی و پارچه بافی برای افزایش دستمزد و پایین آوردن ساعات کار دست به اعتصاب و تظاهرات گسترده ای زده اند. سرما، گرسنگی و خستگی مانع از ادامه اعتراضات آنها نمی شود ولی پلیس بواسطه کشتار و شکنجه، دستگیری و زندانی کردن آنها این مبارزه را سرکوب نمود.



اولت ۱۹۱۱



کنفرانس بین الملل دوم سوسیالیستی زنان در شهر کپنهاگ دانمارک برگزار گردیده است. صد تن از نمایندگان هفده کشور دنیا در این کنفرانس حضور دارند. " کلارا زتکین " یکی از رهبران حزب سوسیالیست آلمان پیشنهاد می کند که یک روز به عنوان روز جهانی زن تعیین شود و در نتیجه ی کنفرانس به طور موقت روز 19 مارس برای سال آینده به عنوان روز جهانی زن تعیین می شود تا پس از بررسی های بیشتری روز قطعی برای این مناسبت تعیین گردد.



۱۹۱۱ مارس ۱۹۱۱*

اولین روز جهانی زن فرارسید. کشورهای اتریش، سوئیس و دانمارک شاهد راهپیمایی معترضین به مناسبت روز جهانی زن بود.



۱۹۱۳ مارس ۱۹۱۳*

دوسال از اولین مراسم روز جهانی زن گذشته است. امسال دوبرخانه زنان

انترناسیونال سوسیالیستی روز ۸ مارس را به یاد مبارزه زنان کارخانه های نساجی نیویورک، به عنوان روز جهانی زن تعیین کردو در ۸ مارس زنان بسیاری در سراسر اروپا مراسم روز جهانی زن را برگزار کردند. اولین مراسم ۸ مارس در روسیه با وجود جو شدید پلیسی برگزار شد.



۱۹۱۷ مارس ۱۹۱۷*

خیابانهای روسیه شاهد راهپیمایی زنان روسیه علیه ظلم و ستم حکومت تزار است. این تظاهرات عظیم در کنار سایر اعتراضات کمک نمود تا ۷ ماه بعداز آن در اکتبر ۱۹۱۷، انقلاب کبیر روسیه محقق شده و رژیم تزار سرنگون گردد.





* ۸ مارس ۱۹۷۹

بیش از یک قرن از اولین مبارزات زنان سپری شده است و هر سال در سراسر نقاط دنیا، جنبش بین المللی زنان روز جهانی زن را به عنوان سمبل مبارزه علیه فرودستی زنان گرامی می دارد. اکنون ۲۴ روز از انقلاب ایران



می گذرد. دیروز فرمان حجاب اجباری از سوی خمینی صادر گردید. ۱۵ هزار زن پس

از برگزاری یک جلسه سخنرانی در دانشگاه تهران، در حالی که زنان دیگر از قشرهای مختلف و گروهی از مردان را به همراه دارند، اقدام به راهپیمایی به طرف ساختمان نخست وزیری نموده و شعارهای آنها عبارت است از " ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم " " چادر اجباری نمی خواهیم " " ما با استبداد مخالفیم "



راهپیمایی به شکل خود جوش شکل گرفته و زنان از هر قشر و طبقه ای به خیابان ریخته اند. آنها علیه تبعیض جنسیتی مبارزه کرده بودند اما اکنون مصادره کنندگان انقلاب می خواهند روابط



مردسالارانه و قوانین زن ستیز اسلام را تقویت نمایند. حزب الهی ها به صفوف زنان حمله ور می شوند و آنها را مورد آزار و اذیت قرار می دهند. با این حال تظاهرات زنان ۵ روز به طول انجامید و در روز ۱۰ مارس آخوندها فتوای حجاب اجباری را پس گرفتند و صبر کردند تا در فرصتی مناسب اهداف خود را اجرا کنند. سرانجام در تیر ماه ۱۳۵۹ حجاب اجباری تصویب شد و زنانی که در راهپیمایی ها شرکت کرده بودند از مشاغل خود پاکسازی شدند و در دوره ی سرکوب مخالفین، دستگیر، زندانی یا اعدام شدند و برخی نیز به خارج از کشور مهاجرت کرده یا هم اکنون به مبارزات خود ادامه می دهند.

شعار زن آگاهی ، تشکل ، رهایی



۸ مارس ۲۰۱۷ / ۱۳۹۶ اسفند ۱۳

سالهاست که مراسم 8 مارس در پارک لاله تهران برگزار می شود. اما امروز نیروهای پلیس ضد شورش در پارک مستقر شدند و مانع از اجرای مراسم می شوند. پلیس افرادی را که به مناسبت روز جهانی زن جمع شده اند متفرق می نماید و یک نفر را بازداشت کرد. اما مراسم امسال در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تحت عنوان " فاتح می شوم، فردا از آن من است "، با استقبال پرشور دانشجویان دختر برگزار گردید.

۸ مارس ۲۰۱۶ / ۱۳۹۵ اسفند ۱۳



امسال مراسم ۸ مارس در پارک دانشجویی تهران برگزار گردید. جمعیت زیادی در چهارراه ولیعصر و محوطه مقابل تئاتر شهر حاضر شده اند. برگه ها و پلاکاردهایی

به دست دارند. زنان با خواندن سرود و شعار " ما زنیم، انسانیم، شهروند این دیاریم، اما حقی نداریم " اقدام به حرکت در محوطه پارک نمودند که پلیس ضد شورش به جمعیت زنان حمله ور شده و مانع از برگزاری مراسم گردید. به دنبال اقدامات پلیس چند زن در این مراسم بازداشت شدند.



۸ مارس ۲۰۱۵ / ۱۳۹۴ اسفند ۱۳

امسال در اقدامی بسیار جالب، مراسم روز جهانی زن با تلاش دانشجویان مستقل و رادیکال، در دانشگاه تهران برگزار گردید.

مجریان برنامه دختران دانشجو بودند و حضور دختران دانشجو در این مراسم قابل توجه بود.

زندگینامه کلارا زتکین

اقتباس از مقاله **nick brauns**
 مترجم: **ناهید جعفر پور**

* در سالهای بعدی مراسم هایی از سوی فعالین جنبش زنان به صورت پراکنده در نقاط مختلف برگزار گردیده است که گزارش دقیقی از آنها در دست نیست.

ادامه از صفحه 4

آینده ای که دوست داریم توی آن رها باشیم. با درگیر کردن مادران و دوستان و زنان همسایه مان در جشن 8 مارس. با نقشه ریزی سر اینکه در تظاهرات ها چطوری و با چه شعارهایی خواسته هایمان را فریاد کنیم. با آواز خواندن، با رفتن به کوه و دشت. با شعار نویسی و یا جمع شدن دور همدیگر در دانشگاه و تاریخ این روز را بررسی کردن.

8مارس روز ماست. به هر شکلی و با ابتکارهای مختلف آنرا جشن بگیریم.

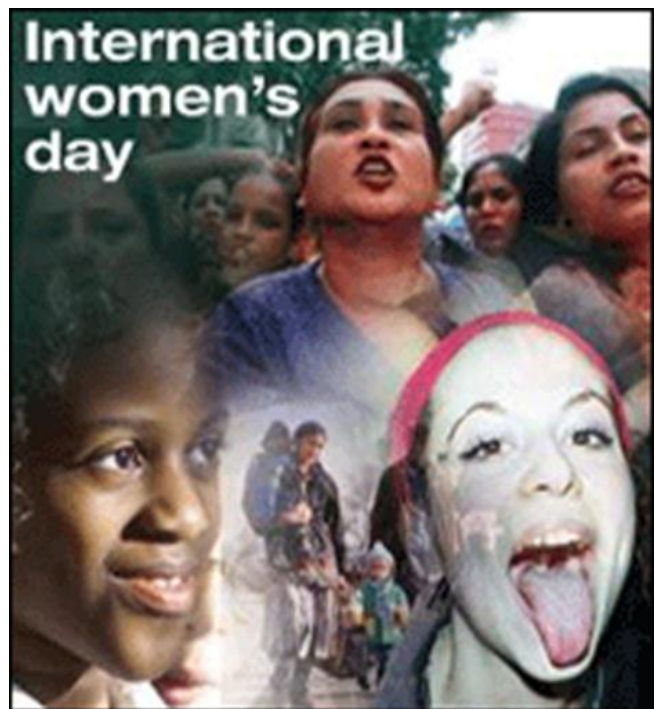
به امید روزی که 8 مارس رو در خیابانها و در کنار همدیگر جشن بگیریم.

کلارا در ۵ جولای ۱۸۵۷ در دهکده ویدرایو ایالت زاکسن بعنوان دختر معلم دهکده گوتفردآیسنروهمسرش جوزپین ویتاله چشم بر جهان گشود. مادر کلارا دختر افسری طرفدارنابلتون بود و به همین دلیل وی کلارا را با ایده های انقلاب فرانسه آشنا نمود. همچنین رنج و بدبختی کار خانگی بافندگان محلی بر روی کلارا تاثیر فراوان گذاشت .



در لایپزیک از سال ۱۸۷۶ وی درسمینار های آگوست اشمیت شرکت نمود و در سال ۱۸۷۸ پایان نامه خویش را بعنوان معلم زبان های مدرن به اتمام رساند. کلارا در فاصله تحصیلاتش به مقالات انقلابی روسی اوسپ زتکین که بعد ها همسر وی گردید در انجمن آموزش کارگران لایپزیک گوش فرا می داد. آموزگاران کلارا به او فشار می آوردند که خود را از انسانهای وحشتناک و کسانی که اخلاق مردم را فاسد می کنند جدا سازد. اما کلارا تصمیم گرفت تماسش را با زنان بورژوازی قطع کند و به حزب کارگری سوسیالیستی که پیش از این از سوی قانون سوسیالیست های بیسمارکی ممنوع شده بود بپیوندد .

کلارا در سال ۱۸۸۲ با توجه به تحت تعقیب سیاسی بودنش آلمان را ترک نمود. در سوئیس با پستیچی سرخ یولیوس موتلر کار را شروع نمود و رسانه های سوسیالیستی را به کمک وی بطور غیرقانونی و قاچاقی وارد آلمان می نمود. موتلر همچنین کتاب " زن و سوسیالیسم" آگوست بیل را



عامیانه رفقای مرد همانگونه به گردنشان آویزان است که به گردن عامیانه ترین مردان جامعه آویزان است. (منظور این مثال مقایسه عملی افکار عامیانه در رابطه با زنان است.)

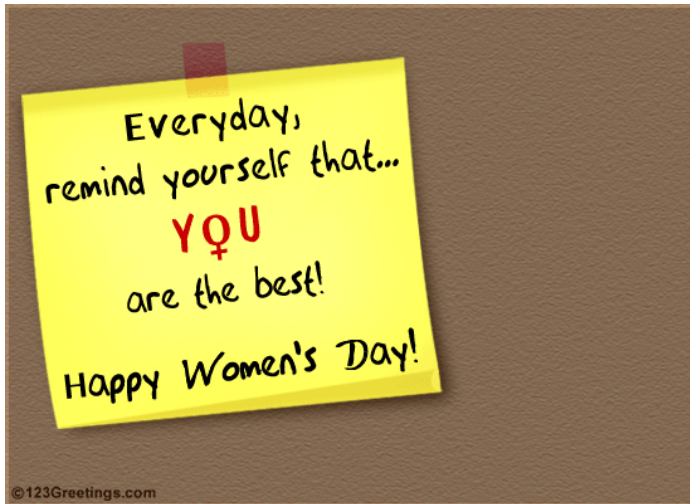


بعد از مورد " قانون سوسیالیست ها" کلارا به آلمان برگشت و در شهر اشتوتگارد مستقر شد. در آنجا ناشر سوسیال دمکرات یوهان هاینریش دیتز زندگی می کرد. دیتز به کلارا اطمینان داشت و در سال ۱۸۹۲ مسئولیت تحریریه ارگان جنبش زنان سوسیالیست را بنام " برابری" بدست وی سپرد. این ارگان تحت رهبری کلارا از نشریه ای که هر دوماه تیراژی در حدود ۲۰۰۰ نشریه داشت به مشهورترین روزنامه زنان سوسیالیست با تیراژی در حدود ۱۲۵۰۰۰ در سال ۱۹۱۴ رسید. این نشریه در کنار تحلیل های سوسیالیستی خود را با مقالات دیگری هم چون نقش زنان بعنوان مربی و یا برای کودکان پرولتاریا چه پیشنهاداتی وجود دارد؟ مشغول

برای خواندن به کلارا داد. این اثر که مستقیماً بعد از ظهورش در سال ۱۸۷۹ در آلمان ممنوع گشته بود میبایست بر روی زن سوسیالیست جوان تأثیری مانا بگذارد. ۱۸۸۲ کلارا به همراه همسرش به پاریس رفت و در آنجا در سال ۱۸۸۲ و ۱۸۸۵ دو فرزند به نام های ماگزیم و کوستیا بدنیا آورد. وی اغلب مجبور بود خوارو بار مورد نیاز خانواده اش را از بقال محلشان به قرض تهیه نماید. او درنامه ای به تئوریسین سوسیال دمکراسی کارل کائوتسکی با شکایت می نویسد " با وجود اینکه پول آشغال است اما متأسفانه آشغال پول نیست". رفقای آلمانیست توانستند به کلارا کمک کنند و برای او شغلی در رسانه های سوسیالیستی بیابند. منزل زتکین محبوب ترین محل ملاقات انقلابیون مهاجر روسی بود. کلارا سال ها بعد اقرار نمود که " در میان روسها من توانستم وطنم را پیدا کنم". ۲۹ ژانویه ۱۸۸۹ همسر کلارا در سن ۳۹ سالگی در اثر بیماری ای ناعلاج درگذشت .

با وجود اینکه وی اکنون دیگر تنها سرپرست خانوار بود اما کلارا بعد از این بازی سرنوشت بیشتر از گذشته به کار سیاسی مشغول گشت. اواسط جولای ۱۸۸۹ در پاریس کنگره مؤتسس بین الملل دوم برگزار گردید و کلارا در تدارک این کنگره نقشی تعیین کننده داشت. وی در کنگره تنها منشی و مترجم نبود بلکه در تاریخ ۱۹ جولای اولین سخنرانی بزرگ خویش را انجام داد. تا آن زمان وی تنها در برابر شنوندگان محدودی صحبت نموده بود اما اکنون این زن جوان مو قرمز با پیراهنی سیاه در برابر ۴۰۰ نفر از رهبران سوسیالیست سرتاسر اروپا از میان تعداد کمی از نمایندگان شرکت کننده زن بلند گو را در دست گرفت تا در باره آزادی زنان سخنرانی نماید.

با وجود تشویق سخنرانی کلارا اما از سوی کنگره در بخش هائی کار زنان ممنوع اعلام گشت. برای بسیاری از سوسیالیست ها زنانی که از مزدی ناچیز برخوردار بودند بعنوان " رقیب کثیف" مردان کارگر به حساب می آمدند. کلارا بعد از آن بارها با گلایه اعلام کرده بود که در تئوری رفقای زن با رفقای مرد برابر هستند اما در عمل گیسوی بافته



ترجمه ترانه: درخت را تکان بده

درخت را تکان می دهیم، تکانش می دهیم
منتظر هستی که نوبت برسد، رویای زندگی بهتری
داری
تو فقط یک همسر نیستی! منتظر هستی که نوبت
برسد
نمی خواهی که زندگی مادرت را تکرار کنی
امروز روز توست، "روز زن"
جریان آب را بر می گردانیم، تو بر موج پیدا سواری
جریان آب را بر می گردانیم، می دانیم که برده هیچ
کس نیستیم
خواهران و برادرانت را بیاب، آنان که همه حقایق
نهفته در
گفته هایت را می شنوند، آنان که در این راه
پشتیبانت می شوند
امروز روز توست، "روز زن"
درخت را تکان می دهیم، تکانش می دهیم

می نمود که در واقع می بایست برای زنان خانه دار امکانی برای خود آموزی باشد.

کلارا به همراه کیت دونکر در ۲۷ اوت ۱۹۱۰ این پیشنهاد را به دومین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست ارائه نمود که هر ساله روز زنی بر بستر بنیان های بین المللی و سوسیالیستی برگزار گردد. در تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۱۱ در آلمان و دانمارک و اطریش و سوئیس برای اولین بار روز زنان جشن گرفته شد.

همچنین در میان اعضای انترناسیونال کمونیستی کلارا همواره بعنوان پیشتاز مبارزه برای آزادی زنان باقی ماند. وی بعنوان رئیس تحریره نشریه حزب کمونیست آلمان "کا پ د" انتخاب گردید و در سال ۱۹۲۰ با توجه به نظرات لنین محورهای اساسی کار کمونیستی زنان را طرح ریزی نمود. علاقه خاص وی معطوف بیداری زنان در جمهوری های اسلامی اتحاد جماهیر شوروی بود که خود را از زیر اجبار های شریعت و روسری آزاد می کردند .

کلارا از زنان سوسیالیست آلمان که در باره تئوری های فروید و معضل سکسئولی بررسی و تحقیق می کردند دفاع می نمود. معضل سکسئولی و معضلات زندگی زناشویی تحت رهبری مالکیت و نظم بورژوازی مشکلات و اختلافات و رنجهای همه جانبه ای را برای زنان تمامی طبقات اجتماعی به وجود آورده بود. کلارا در زندگی خصوصی اش همه چیز بود جز خجالتی. اوسپ زتکین هیچگاه بطور رسمی با وی ازدواج ننمود. و کلارا بعنوان زن ۳۹ ساله در ابتدا در رابطه ای آزاد با هنرمند ۱۸ ساله ای بنام فریدریش زوندل زندگی می کرد که بعدا با وی ازدواج نمود. کلارا در مسکو شاهد احراز قدرت نازی ها شد و بنام ۱۴ میلیون زنان و مردان کمک های سرخ آخرین مقاله خود را برای یک هفته کمک بین المللی برای قربانیان ترور های فاشیسم در آلمان به تحریر در آورد. در تاریخ ۲۰ جون ۱۹۳۳ کلارا در آرشانگولوسکوچ مسکو در گذشت. ۴۰۰۰۰۰ انسان در خانه اتحادیه های مسکو با وی وداع گفتند.

باید بی حد و حصر پر توان باشی
 کار تو اشتباه نیست! به هیچ وجه
 می رویم تکانش می دهیم، میرویم که در هم
 شکنیم
 باید تکانش دهیم، در همه جا تکانش دهیم

Peter Gabriel & Youssou N,Dour



اگر از باخت بترسی، هیچ چیز به دست نخواهی
 آورد
 اگر کنار بنشیننی و حساب خطرها و ضررها را بکنی
 هیچ چیز به دست نخواهی آورد
 تصمیم بگیر همان باشی که می توانی باشی! می
 توانی!
 میوه درخت رهایی را مزه کن
 امروز روز توست "روز زن"، راه و رسمت را عوض کن
 آشنایانت را عوض کن، آنچنان که از هیچ مردی بر
 نیاید
 حرف دلت را بزن، خشم و رنجت را به مردان نشان
 بده
 اینگونه زخمت را مرهم بنه، تا شاید مردان نیز جنبه
 زنانه خویش را ببینند و حس کنند